

یاران روحانی با تقدیم تحیات امنع ابھی و با آرزوی سلامتی برای آن عزیزان دل و جان

برنامه ای که به صورت پیشنهادی تقدیم میگردد، در خصوص اهمیت تقدیم تبرعات فداکارانه است. هدف از این برنامه مطالعه در خصوص اهمیت روحانی تقدیم تبرعات میباشد و آنچه میبایست همواره مورد عنایت قرار گیرد آنکه گرچه تقدیم تبرعات وظیفه ای عمومی است که شامل آحاد احواء میگردد و البته جاذب تأییدات الهیه می باشد، اما هرگز به اجبار و اصرار دریافت نمیگردد بلکه شخص تقدیم کننده میبایست با کمال محبت و اشتیاق آن را تقدیم نماید و دیگر آنکه هرگز کمیت آن مورد نظر نبوده بلکه مهم روحی است که در این اقدام جریان دارد.

در قسمت شور و مشورت سؤالی به شرح زیر مطرح گردیده است:

به نظر شما انسان چگونه میتواند در تقدیم تبرعات خود را به مرزهای فداکاری نزدیکتر نماید؟

امید داریم در این بخش با تبادل نظر در خصوص این امر مهم بتوانیم هرچه مؤثرتر اقدام نمائیم

- البته لازم به ذکر است که این عنوان برنامه و حتی عنوان شور و مشورت صرفاً یک پیشنهاد است و عزیزان میتوانند به بررسی مسائل و نیلزه‌های جامعه محلی خود پرداخته و بر حسب نیاز به تهیه برنامه مبادرت فرمایند و یا در قسمت مشورت به شور در خصوص مسائل و یا اقدامات محلی بپردازند

بیت العدل اعظم الهی در پیام ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ میفرماید:

"...شرکت در تقدیم تبرّعات خدمتی است که هر مؤمنی، فقیر یا غنی، میتواند به جا آورد زیرا این وظیفه ای روحانیست که در آن مقدار تبرّع اهمیتی ندارد. آنچه شایان اهمیت است، میزان انفاق و عشقی است که شخص بخشنده به همراه پرداخت خود نثار میکند، همچنین وحدت شرکت همه احباء در این خدمت است که جاذب تأییدات الهی است..."

عنوان: تبرعات فداکارانه

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- مناجات دوم (به انتخاب جمع)
- ۳- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله
- ۴- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

- ۵- بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله
- ۶- قسمتی از توقیع حضرت ولی امرالله
- ۷- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵
- ۸- حکایت
- ۹- شور و مشورت
- ۱۰- قسمت نونهالان و نوجوانان

قسمت اجتماعی

- ۱۱- الفت و پذیرائی (به ابتکار جمع)
- ۱۲- مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

هُوَالله

ای بی نیاز بندگان و کنیزان را بنواز و آرزوی جمیع را شایان و رایگان ساز. به اوج محبت پرواز ده و با طیور حدیقه الطاف، همرازو دمساز نما. قوتی دیگر بخش و حالتی خوشتر، عطا فرما. چشم از خطا بیوش و عزت و برکت در این جهان و آن جهان، عطا فرما. راحت و آسایش ده و به نصایح و وصایای خویش آرایش بخش و از آزمایش برهان. بخشش جهانگیر است و الطافت مجیر و دستگیر هر مُستجیر. عَدَم را موهبت وجود بخشیدی و سر گشتگان را به ظِلّ مَمْدود رساندی و تشنگان را به ماء مورود وارد نمودی، کرمت عمیم است و فضل و جودت، عظیم. عنایت آفتاب است و مشقات و مشکلات خلق، ظلمات. پرتوی بینداز و جمیع یاران و اماء رحمن را راحت ساز توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی دارنده و رهاننده و بیننده و مهربان.

ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۳۴۳

۳- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

الْكَرْمُ وَالْجُودُ مِنْ خِصَالِي فَهَنِيئًا لِمَنْ تَزَيَّنَ بِخِصَالِي "

کلمات مکنونه عربی

نفوسی که باین مظلوم منسوبند باید در مواقع بخشش و عطا ابر بارنده و در اخذ نفس اماره شعله فروزنده باشند "

امر و خلق ج ۳ ص ۱۶۱

رَأْسُ الْهَمَّةِ هِيَ انْفَاقُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عَلَى أَهْلِهِ وَ الْفُقَرَاءِ مِنْ إِخْوَتِهِ فِي دِينِهِ. "

لوح مبارک اصل کلّ الخیر

مضمون بیانات مبارکه فوق به فارسی

"بخشش و بخشندگی از خصلتهای من است پس خوشا به حال کسی که به این خصائل خود را بیاراست"

بالاترین حدّ همت: انفاق انسان به خودش و خانواده اش و برادران نیازمند دینیش است.

"ای احبای الهی یقین نمائید که در مقابل این اعانت اضعاف مضاعف، خیر و برکت در زراعت و صناعت و تجارت حاصل گردد. مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا شُبْهَةُ اِی نِیْسْتِ کِه حَیِّ قَدِیْر اِهْل اِنْفَاق رَا تَأْیِیْد شَدِیْد فَرْمَایْد "

ص ۱۳۱ ج ۴ مکاتیب

"ای یاران الهی شرکت خیریه از تأسیسات ربُّ البریه است زیرا مربی ایتام و کافل راحت فقراء و عُجَزَاء و مَسَاكِیْن اَنَام است و سبب تعلیم اطفال و تبلیغ امرحضرت رحمن . باید این شرکت خیریه را نهایت اهمیّت بدهید "

ص ۱۱۵ ج ۲ مکاتیب حضرت عبدالبهاء

با آنکه شکر سبب ازدیاد نعمت است ولی کمال شکر بانفاق است و مقام انفاق اعظم مقامات

ص ۱۸۵ ج ۱ بدائع الآثار

۵- بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله

هر نفسی بقدر استطاعت و اقتدار خویش این اعانه مالی را بمحفل نماید، شبهه ای نیست نصرت امرالله نموده و دستگیری از ضُعفاء کرده و تبلیغ امر و ارتفاع کلمه الله نموده. تأیید الهی شامل حالش گردد و ابواب برکات بر وجهش مفتوح شود "

ص ۲۱۵ منتخبات توقیعات مبارک

" اگر یاران مساعده ای در این سبیل کاملاً، مقررّاً، مستمرّاً ننمایند، امرالله تقدّم و انتشاری سریع نیابد. اسباب میسر نگردد . "

ص ۱۳۱ ج ۱ توقیعات ، سالهای ۲۶ - ۱۹۲

"ما باید مانند فواره یا چشمه ای باشیم که دائماً خود را از آنچه دارد تُهی میسازد و دائماً از منبعی نامرئی دوباره پر می شود. تبرّع مُستمر برای سعادت همنوعان، بدون ترس از فقر و با توکل به عنایات لاریبیه آن مطلع کلّ خیر و کلّ غناء، رمز زندگی صحیح است.

کتاب ۸ روحی واحد ۲

همیشه باید در نظر داشته باشیم که تعداد بهائیان عالم نسبت به جمعیت جهان آنقدر قلیل و نفوس محتاج آنقدر کثیر است که اگر جمیع ما هر آنچه را که در تملک داریم بدهیم، جز تعداد قلیلی از مَلهوفین را کفایت ننماید. این بدان معنا نیست که نباید به محتاجان اعانت نمائیم، باید مساعدت نمود. لیکن تقدیم تبرّعات به امر مبارک، مطمئن ترین طریقهٔ امحاء ثقل و جوع و فلاکت از نوع بشر است، زیرا فقط از طریق نظام حضرت بهاء الله که منشاء الهی دارد، عالم می تواند شفا یابد و فقر، ترس، جوع و جنگ و غیره زائل گردد. غیر از احباء، احدی نمیتواند برای امور ما تبرّع نماید یا از قِبَل ما پرداخت کند.

داستانهائی از تبرّعات ص ۴۶

۷- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵

تمدّن مورد نظر حضرت بهاء الله تمدّنی است شکوفا که در آن منابع وسیع عالم در جهت عزّت و احیای نوع بشر و نه برای ذلّت و نابودی او صرف خواهد شد. بدین ترتیب، عملی تقدیم تبرّعات گویای مفهومی بسیار عمیق می باشد: تقدیم تبرّعات راهی است عملی و از ضروریّات تسریع ظهور آن تمدّن ربّانی. چنانچه حضرت بهاء الله می فرمایند "امورات ارض را حقّ جلّ جلاله به اسباب معلّق فرموده." بهائیان در اجتماعاتی زندگی می کنند که امور مادی آن به شدّت آشفته و مختل است. فرایند جامعه سازی که دوستان در محدوده های جغرافیایی خود به پیش می برند نگرش و رفتاری را در مورد ثروت و دارایی ترویج می کند که با افکار متداول در عالم کاملاً متفاوت است. عادت تقدیم تبرّعات مرتّب به صندوق های امری که شامل تبرّع غیر نقد، به خصوص در بعضی نقاط جهان می باشد ناشی از حسّ توجه فردی به رفاه جامعه و پیشرفت امر الله است. وظیفه تقدیم تبرّعات درست مانند وظیفه تبلیغ امر الهی یکی از جنبه های اساسی هویت بهائی و موجب تقویت ایمان است. تبرّعات سخاوت مندانه و فداکارانه افراد احبّاء، آگاهی جمعی از نیازهای مالی که جامعه آن را ترویج می دهد، و نظارت دقیق و مسئولانه مؤسسات امری بر منابع مالی را می توان به منزله تجلیات عشق و محبتی دانست که این سه عنصر فعّال را بیشتر به هم پیوند می دهد. تبرّع داوطلبانه نهایتاً این آگاهی را به وجود می آورد که اداره امور مالی شخصی بر طبق اصول روحانی بُعدی است ضروری از یک زندگی منسجم، موضوعی است وجدانی و طریقی است که در آن تعهد نسبت به رفاه عالم در عمل متجلی می گردد.

۸- حکایت: حاجی امین و سکه پیرزن بهائی

حاجی امین، که امین حقوق الله بود و مورد اعتماد حضرت عبدالبهاء خلوص و ایمانی عجیب داشت و همگان به خالص بودن ایشان ایمان داشتند. مرتبه ای قصد عزیمت به ارض اقدس داشت تا حقوق الله و تبرّعات جمع شده و عرایض احبّاء را به ساحت قدس طلعت میثاق ببرد و تقدیم کند. پیرزن بسیار فقیری نزد او شتافت و سکه ای کوچک

تقدیم کرد تا با خود ببرد. حاجی امین ابراز امتنان کرد و سگه را در جیب گذاشت و رو به راه نهاد. به محض وصول به مقصود، یعنی بیت حضرت عبدالبهاء، طبق رسم همیشگی اش جمیع تبرّعات را تقدیم حضور مبارک نمود. حضرت عبدالبهاء معمولاً مراتب رضایت و امتنان خود را ابراز می‌داشتند و او را به خاطر زحمات خستگی ناپذیرش تحسین و تمجید می‌فرمودند. سلامت نفس و صحت عمل حاجی امین ابداً مورد شک و شبهه نبود و هرگز در محاسبات و نگهداری حسابها اشتباه نمی‌کرد. مسلماً نگهداری حسابها برایش مشکل نبود، زیرا خودش پولی نداشت که با وجوه امری در هم آمیزد. اما این دفعه، در کمال حیرت مشاهده کرد، وقتی وجوه را تقدیم حضور مبارک نمود، طلعت میثاق با محبت نگاهی به او انداختند و درباره فقدان مبلغی از وجوه نکته را مطرح کردند. حاجی امین در کمال حزن و اندوه از حضور مبارک مرخص شد و ابداً نمی‌توانست بفهمد چه اتفاقی افتاده است. گریان به اطاقش رفت و زانو بر زمین زد و سر به سجده نهاد و دعا کرد و مناجات خواند. موقعی که مشغول دعا خواندن بود، احساس کرد فلزی سخت و سفت زیر زانوی او است. این همان سگه کوچکی بود که زن فقیر در زمان عزیمتش به او داده بود تا به ارض اقدس بیاورد. از قضا جیب حاجی امین سوراخ کوچکی داشت که سگه از آن سوراخ وارد آستری عبای حاجی امین شده بود. حاجی امین بلافاصله سگه را برداشت و به حضور مبارک رفت. حضرت عبدالبهاء او را مورد عنایات لائحه قرار دادند؛ بعد سگه را بوسیدند و فرمودند این بیشتر از تمامی هدایا و تبرّعات ارزش دارد، زیرا با ایثار و فداکاری بسیار تقدیم شده بود

داستان‌های درباره تبرّعات، نسخه انگلیسی صفحات ۴۷-۴۸

۹- شور و مشورت

درجه فداکاری من

انسان چگونه میتواند نهایت درجه فداکاری خود را در تبرّعات شخصی ابراز کند؟ ذهن انسان دائم مشغول بررسی میزان پول است و از خود سوال می‌کند: "آیا باید ۱۰ یا ۱۰۰ بدهم؟ باید ۱۰۰۰ یا ۵۰۰۰ بدهم؟ حالا اصلاً ۱۰۰ من چه تفاوتی ... خواهد داشت؟ درجه فداکاری یعنی چقدر پول بدهم؟ درجه خودخواهی یعنی چقدر کم داده‌ام؟" و غیره! بدیهی است که هیچ پاسخی برای این پرسش‌ها وجود ندارد و اعداد هم هیچوقت نمی‌توانند نموداری از حیات معنوی ما باشند. اما در تضادی که خداوند برای بندگانش آفریده، این اعداد میتوانند نقش مهمی در سفر روحانی ما بازی کنند. وقتی اعداد را در نظر می‌گیریم، و به آن فکر می‌کنیم میتوانیم تعهد خود را با یک زندگی سخاوتمندانه و فداکارانه بسنجیم. در موقع اهدای تبرّعات بعضی از احواء با احساسات خود قدم برمیدارند؛ بعضی دیگر با احتیاط دستی به جیب می‌برند و چیزی پیدا کرده به صندوق می‌اندازند؛ دیگران نیز از جنبه عقلانی، و حسابگری (نگاه میکنند) خب گرچه خداوند مهربان و شفیق است و تبرّع همه بندگان صادق و ثابت قدم را قبول میکند و ده برابر هم به ایشان برکت میدهد، ولی این سوال هنوز در ذهن باقی می‌ماند که انسان چگونه میتواند خود را به مرزهای "فداکاری" نزدیک‌تر کند؟

نشریه چشمه خروشان

به نظر شما انسان چگونه میتواند در تقدیم تبرّعات خود را به مرزهای فداکاری نزدیکتر نماید؟